

# کارگاه مقابله با خشونت خانگی جامعه مهاجر افغان در ایران

نوشته: انجمن حامی

“انجمن حامی” انجمنی است که ۱۵ سال تمام کوشش خود را معطوف به حمایت از مهاجران افغان نموده است. این انجمن کارگاهی برای مقابله با خشونت خانگی در دو شهر تهران و مشهد برگزار نمود. تلاش‌هایی برای کاهش خشونت در محله‌های افغان‌نشین ایران “حامی” تجربه بیش از ۱۵ سال فعالیت حرفه‌ای در حوزه پناهندگان و به ویژه زنان و کودکان مهاجر و پناهنده مقیم ایران نشان داده که یکی از جدی‌ترین معضلات زنان مهاجر افغان در ایران تحمل خشونت‌های خانگی مبتنی بر جنسیت است که اغلب از سوی مردان فامیل اعم از پدر، برادر، همسر و حتی نزدیکان مرد درجه دو اعمال می‌شود که اصولاً در فرهنگ کهن حاکم در نگرش و سنت‌های جامعه افغانستان و تأثیرات جانبی آن ریشه دارد. طرح کاهش خشونت علیه زنان مهاجر افغان در ایران نیز در همین راستا طراحی و برنامه‌ریزی شده و با توجه به گستردگی و پراکندگی جمعیت مهاجر افغان در شهرها و روستاهای کشور و توجه به معضلات و مشکلات پیچیده این جامعه؛ اجرای این طرح در قالب یک طرح توانمندسازی و بسیج اجتماعی امکان‌پذیر بوده است. از یک سو شناسایی؛ آموزش و توانمندسازی گروه‌های سنی جوان و با تحصیلات حداقلی دیپلم و لیسانس از میان مهاجرین افغان مقیم ایران و از سوی دیگر بهره‌گیری از سیستم آموزش خوشه‌ای و ترویج مباحثی هستند که از طرف گروه‌های آموزش دیده به جامعه محلی خودارائه شده است.

در این طرح که در دو شهر تهران و مشهد که از جمله شهرهای بزرگ مهاجرنشین کشور محسوب می‌شوند؛ ۱۱۵ نفر از جوانان پناهنده افغان اعم از زن و مرد انتخاب شدند تا با کسب آموزش‌های فشرده‌ای با محورهای حقوقی؛ روانشناختی؛ بهداشتی و جامعه‌شناختی در ۴ گروه ۱۵ نفره آمادگی ورود در جامعه محلی خود به عنوان تسهیل‌گر محلی را پیدا کردند. آنها در مسیر کاهش آسیب‌های اجتماعی رایج در جامعه مهاجران و با محوریت مقابله با خشونت‌های خانگی توانمندی‌های لازم را به دست آورده و طرح‌هایی را در محله‌هایی که در آنجا ساکن بودند؛ اجرایی کردند. طرح‌هایی که نتایج نخستین به دست آمده از آن نشان از تأثیرگذاری آموزش تسهیل‌گری به جمعیت تحصیل کرده و جوان افغان داشته و خوشبختانه در همین زمینه شاهد شکل‌گیری حوزه‌های گفتگویی با روحانیون و ریش سفیدان محل برای کاهش انواع خشونت‌ها علیه زنان و کودکان هستیم.

خشونت خانگی یکی از انواع خشونت است که از طرف بزرگسالان یا مردان اعمال می‌شود و باید تحت نظر و دقت بیشتری قرار گیرد، زیرا در محدوده خانواده، همیشه خشونت از جانب فرد قدرتمند (قدرت بدنی، اقتصادی، اجتماعی) بر فرد بی‌قدرت یا کم‌قدرت اعمال می‌شود. در این حالت، قربانی به دلیل ضعف اقتصادی و اجتماعی، در موقعیت وابستگی به فرد قدرتمند قرار دارد و از آنجا که در اکثر موارد از حقوق انسانی، اجتماعی خود آگاهی ندارد، قادر به پایان بخشیدن به این شرایط نیست و در مواردی که سعی می‌کند به مقاومت و دفاع از خود بپردازد، چون هیچ پشتیبانی ندارد، شرایط زندگی را برای خود سخت‌تر می‌سازد. قربانیان خشونت خانوادگی به شدت محتاج کمک و پشتیبانی جامعه، دولت، نهادها و سازمانهای گوناگون هستند تا از شرایط سخت زندگی خود رهایی یابند.

ویژگی مشترک در زنان خشونت دیده

یکی از نکاتی که در تحقیقات این رشته همواره مورد نظر بوده، به دست آوردن ویژگی‌های مشترک زنانی است که مورد خشونت واقع شده‌اند زیرا، گمان بر این بود که این زنان ویژگی‌های شخصیتی خاصی دارند، مثلاً اعتماد به نفس پایینی دارند، یا تقسیم نقش سنتی در خانواده‌شان حاکم است، اما نتایج تحقیقات خلاف اینها بود و نشان داد که این زنان هیچ نوع تفاوت قابل‌ذکری با زن‌های دیگر ندارند.

هر چند که ویژگی مردانی که نسبت به همسر خود خشونت می‌ورزند، گفته شد. اما در یک جمع بندی باید گفت که مردها از هر طبقه اجتماعی، با هر میزان سواد و تحصیلات و با هر نوع وابستگی قومی و مذهبی ممکن است زن خود را مورد خشونت قرار دهند و از طرف دیگر زن نیز بدون توجه به طبقه اجتماعی خود، سطح سواد و تحصیلات، وابستگی‌های قومی و مذهبی ممکن است مورد خشونت قرار بگیرد. این رفتار خشونت‌آمیز و پذیرش آن بیش از آنکه فردی باشد، اجتماعی است و در شرایطی که هنوز الگویی مثبت تلقی می‌شود و حتی به نوعی تشویق می‌شود نباید انتظار دیگری داشت.

در چند جمله خشونت علیه زنان در جامعه مهاجران افغان در ایران از دلایل متعددی برخوردار است

□ حاکمیت فرهنگ سنتی مردسالارانه به عنوان یک فرهنگ غالب در ارزش‌ها؛ تفکر و کنش اتباع افغانستان و بالطبع مقید جامعه مهاجران افغان در ایران به فرهنگ و ارزش‌های کهن ملی خودرا است.

□ آسیب‌های روانی ناشی از مهاجرت و پناهندگی و تطبیق با محیط جدید که معمولاً با اختلال روانی و رفتاری همراه است

□ پائین بودن سطح آموزش زنان به دلیل عدم دسترسی به آموزش ناشی از محدودیت‌های خانوادگی و اجتماعی که به طور

معنا داری به کاهش اعتماد به نفس و پذیرش خشونت در خانواده اثر گذاشته است. □ عدم ادغام اجتماعی مناسب در محیط؛ پایبندی

فراوان به آداب و سنن جامعه پدری؛ ناتوانایی های فردی ناشی کم سواد یا بی سواد به منظور برقراری ارتباط مثبت و موثر با جامعه میزبان. ناکامی های اقتصادی خانواده و تشدید مشکلات مالی ناشی از ناپایدار بودن و یا فقدان سیاست های دولتی برای اشتغال به کار پناهندگان و مهاجران که به طور طبیعی بر کنش های رفتاری مردان علیه زنان در خانواده تاثیر گذار است. [۱۰] انزوا و لطمه فردی و اجتماعی زنان مهاجر در محیط اجتماعی جدید.) به طور معمول مردان پناهنده ناگزیر هستند که

برای تأمین معاش وارد جامعه میزبان شوند، اما زنان پناهنده به طور سنتی درگیر مشاغل خانگی هستند و به دور از فضای اجتماعی جامعه میزبان می مانند. این امر در مورد زنان افغان از شدت بیشتری برخوردار است که از یک محیط کاملاً بسته با فرهنگ اجتماعی روستایی و سنتی وارد محیط اجتماعی نیمه سنتی و شهری شوند. این انزوا علاوه بر عدم رشد و توسعه شخصیت اجتماعی آنها، باعث می شود که حوزه خصوصی زندگی آنها از دید عموم پوشیده بماند و امکان هر گونه نظارت اجتماعی و مداخله در موارد خاص و حاد نیز از بین برود. زندگی مخفیانه در کنار فقدان شرایط نظارت بر زندگی عمومی و خصوصی افغانه در ایران در عین حال امکان فرار بیشتری را برای مردان افغان فراهم کرده است؛ مردانی که با همان ارزش های سنتی خانواده در افغانستان در ایران حضور یافته اند و ورود در محیط اجتماعی جدید هم مانع از تحدید آداب و سنن مانوس نشده است. در مقابل زنانی هستند که به دلیل عدم ارتباط با جامعه پیرامونی ناگزیر از پذیرش هر گونه خشونت فیزیکی و روانی از سوی خانواده و به ویژه همسر خود است. [۱۱] تعدد زوجات و فرهنگ چند همسری در مردان افغان، فرار از بار مسئولیت سرپرستی خانواده و سپردن آن به زنانی که

فاقد مهارت های فردی و اجتماعی لازم برای کسب درآمد هستند نیز از جمله عوامل ارتکاب خشونت های خانگی متعدد و اعمال تبعیض های مبتنی بر جنسیت در میان جامعه پناهندگان افغان است که به نظر ریشه در فرهنگ؛ آداب و رسوم دارد که در شرایط خاص سیاسی و اجتماعی افغانستان در بیش از ۳ دهه جنگ و خشونت نهادینه شده است. تاثیرات اجتماعی این پدیده در ایران؛ زنان مهاجری است که تا سالیان دور به حال خود رها شده و هیچ راه گریزی نیز برای خاتمه شرایط حاکم بر خود را نمی یابند. متأسفانه این موضوع در کنار رشد نگرش منفی جامعه میزبان نسبت به مهاجران افغان و بویژه مهاجرانی که در سالهای اخیر وارد شده و هنوز فرصت راهیابی به جامعه عمومی را نیافته اند نتیجه ای جز غفلت و نادیده انگاری را برای این زنان رقم زده است. در کنار تمام شواهد و نمونه هایی که هر روزه از بالا بودن نرخ خشونت خانگی در میان خانواده های مهاجر افغان مقیم

ایران حکایت می کند؛ مراجعه به گزارش تحقیقی که در سال ۱۳۳۵ توسط کارشناسان "انجمن حامی" و در یک جامعه آماری ۱۱۵ نفره و با هدف بررسی میزان خشونت و همسرآزاری در بین زنان افغان ساکن در منطقه "کن" تهران به صورت اتفاقی انجام شد؛ نیز موید نگرانی هایی است که در خانواده های پرجمعیت مهاجران به وضوح قابل لمس است. نتیجه نهایی حاصل از پژوهش حاکی از آن داشت که میزان همسرآزاری و خشونت علیه زنان افغان به طرز نگران کننده ای بالا است و این نکته رانیز نباید از نظر دور ساخت که آمار به دست آمده با توجه به محدودیت های فرهنگی حاکم بر زنان مهاجر مبنی بر پذیرش رفتارهای خشونت آمیز مردان فامیل و نیز اختفای میزان و شدت خشونت به منظور حفظ آبروی خانواده بوده و چه بسا که برخی آمار و نتایج دیگر هنوز از چشم ما و دیگر پژوهشگران این حوزه دور مانده باشد.

دغدغه های حامی برای جلوگیری از خشونت

تمام آنچه تا بدین جای گزارش به آن اشاره شد انجمن را بر آن داشته است تا بنا بر مسئولیتی که همچنان از سال های گذشته در مسیر بهبود وضعیت زنان و کودکان پناهنده در ایران بر دوش گرفته، با ارائه نگرانی ها از یک سو و راهکارهای پیشنهادی از سوی دیگر زمینه رفع و یا حداقل کاهش مسایل و مشکلات ناشی از مهاجرت را بر زنان پناهنده و مهاجر ساکن در ایران را فراهم آورد و از طرف دیگر امکان بازگشت پایدار مهاجرین به کشورشان را تسهیل بخشد. همچنین انجمن تلاش کرده تا با اجرای برنامه های آموزشی برای جمعیت مهاجر و پناهنده نسبت به توانمندسازی فردی و اجتماعی آنها همت گمارد. با این رویکرد که هرگونه اقدام مثبت برای بهبود وضعیت مهاجران در ایران تلاشی است مثبت برای کاهش آسیب های اجتماعی ناشی از شکاف میان جامعه میزبان و مهاجر در کشور.